



سرشناسه:	بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور:	گفتمان عدالت محور در چهل سالگی انقلاب اسلامی / محمد مهدی بهداروند
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۸
مرجع تولید:	پژوهشگاه بین المللی المصطفی ﷺ
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۲۹-۶۸۳-۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیبیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۱۳۷
موضوع:	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- دیدگاه درباره عدالت
موضوع:	Khomeyni, Ruholah, Leader and Founder of IRI -- Views on justice
موضوع:	خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره عدالت
موضوع:	Khamene'i, Ali, Leader of IRI -- Views on justice
موضوع:	عدالت اجتماعی -- ایران -- تاریخ; Social justice -- Iran -- History
موضوع:	عدالت; Justice
موضوع:	ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر
موضوع:	Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Criticism and interpretation
شناسه افزوده:	جامعه المصطفی ﷺ العالمية، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ
شناسه افزوده:	Almustafa International University Almustafa International Translation and Publication center
زده بندی کنگره:	DSR1۵۷۴/۵
زده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۴۲
شماره کتابشناسی ملی:	۵۸۴۶۵۴۴
	BP۱۳۲۸ (فایل نهایی پژوهشگاه بدون فرآیند تولید انتشارات)

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

گفتمان عدالت محور در چهل سالگی انقلاب اسلامی

مؤلف: محمد مهدی بهداروند

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۲ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۳۸۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نیش کوچه ۱۸؛

تلفن: ۳۷۸۳۶۱۳۴ / ۲۵ ۹۸ + تلفکس: (داخلی ۱۰۵) / ۳۷۸۳۹۳۰۵ - ۲۵

◀ ایران، قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه. تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۲۵

pub_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

با توجه به هزینه‌ها و مشکلات عدیده، هر شخص حقیقی یا حقوقی که اقدام به چاپ، بازنویسی، کپی، تکثیر و یا هرگونه برداشت جهت تهیه کتاب و تبدیل آن به جزوه، cd، فایل الکترونیکی pdf، اسکن، عکسبرداری و یا انتشار در فضای مجازی نماید، شرعاً مجاز نمی‌باشد و پیگرد قانونی خواهد داشت.

گفتمان عدالت محور در چهل سالگی انقلاب اسلامی

محمد مهدی بهداروند



مرکز بین المللی
ترجمه و نشر
المصطفی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی‌شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیّبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد. «جامعة المصطفیٰ علیه السلام العالمية» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمّدی علیه السلام «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام» را تأسیس کرده است. در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس‌گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ علیه السلام

مقدمه

عدالت، از نخستین روزهای حیات انسانی، دغدغه بشریت بویژه متفکران و اندیشمندان هر عصر و زمان بوده و مرور ایام، گرد فراموشی بر آن نپاشیده و نقصی بر پیکره‌اش وارد ننموده است. ادبیات و گفتمان عدالت خواهی در اندیشه‌ی اسلامی نیز مشهود و هویداست و حجم گسترده‌ای از متون دینی و آثار اندیشمندان مسلمان به آن پرداخته است.

در فرهنگ و گفتمان اسلامی، مفهوم عدالت در سرتاسر هستی جریان داده شده و در والاترین مرتبه آن یعنی اعتقاد به اصل عدالت خدواند و مراتب بعدی آن در شئون فکری، اعتقادی و عملی انسان‌ها همچون نبوت، اخلاق، فلسفه، اجتماع و سیاست، عدل جاری است. در این گفتمان، فلسفه وجودی نبی و امام و تشکیل حکومت اسلامی، عدالت است و اگر عدل الهی و عدالت خواهی ربوبی نبود، زمینه‌ای برای ارسال نبی و امام وجود نداشت.

با همین رویکرد و بر اساس همین مبنا، حضرت امام خمینی علیه السلام چهل سال پیش، انقلابی را به ثمر نشانند که نتیجه اش تشکیل حکومت اسلامی در زیر سایه عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام و با مدیریت ولایت فقه‌های عادل گردد و اینک در سال ۱۳۹۷، چهلمین سال پیروزی این انقلاب را گرامی داشته و براین نعمت عظمی بر درگاه الهی سجده شکر می‌گذاریم.

کتاب حاضر که به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و به همت مولف محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر بهداروند در پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی به رشته تحریر در آمده، مبانی و مولفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را بررسی کرده و در خصوص عدالت اجتماعی، شاخص‌ها و آسیب‌های آن به بحث پرداخته و نیز گفتمان عدالت و عدالت اجتماعی در اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) را تبیین کرده است.

در این فرصت، از همه عزیزانی که ما را در تهیه و تولید این اثر یاری رساندند بویژه نویسنده محترم، ارزیابان اثر و نیز جناب آقای سعید عسگری که پیگیری امور در به سامان رسیدن این کتاب را بر عهده داشتند و همکارانی که در چاپ و نشر این کتاب دخیل بوده‌اند تقدیر و سپاسگزاری می‌کنم و توفیقات روز افزون آنان را از درگاه ایزد منان خواستارم.

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

۱۱.....	مقدمه
۱۴.....	حیات نظام استکباری در نفی عدالت اجتماعی
۱۹.....	مفاهیم عمده و ابعاد موضوع
۲۶.....	نگاهی به اصول قانون اساسی
۲۹.....	سازماندهی فصول
۳۱.....	فصل اول: عدالت جوهره انقلاب اسلامی
۳۵.....	عدالت در اندیشه اسلامی
۳۷.....	فلسفه حکومت دینی
۳۸.....	عدالت در حرکت‌های اسلامی
۴۰.....	معنویت و عدالت
۴۲.....	فلسفه اجتماعی انقلاب اسلامی
۴۴.....	جایگاه عدالت در صلاحیت و مشروعیت رهبران جامعه اسلامی
۴۷.....	ولایت فقیه و اجرای عدالت
۵۱.....	فصل دوم: گفتمان عدالت در عرصه جهانی
۵۳.....	۱. عدالت خواهی
۵۳.....	۲. استقلال طلبی
۵۴.....	۳. دفاع از مسلمانان و حمایت از مستضعفان
۵۵.....	۴. صلح طلبی مثبت
۵۷.....	۵. ظلم ستیزی
۵۷.....	۶. سلطه ستیزی و استکبارزدایی
۵۸.....	۷. تجدیدنظر طلبی و شالوده شکنی
۶۱.....	فصل سوم: مبانی و مولفه‌های گفتمان عدالت محور
۶۱.....	الف - مبانی گفتمان عدالت محور
۶۱.....	۱. ایدئولوژی اسلامی - شیعی
۶۲.....	۲. گفتمان انقلاب اسلامی
۶۳.....	۳. ایرانیت

۴. جهان سوم‌گرایی ۶۴
- ب- مولفه‌های گفتمان عدالت محور ۶۶
- ۱- برنامه ریزی در عدالت ۶۶
- ۲- عدالت اجتماعی و شکاف اجتماعی ۶۷
- ۳- عدالت مادی و معنوی ۶۹
- ۴- عدالت و آزادی ۶۹
- ۵- عدالت و توسعه ۷۰
- فصل چهارم: گفتمان عدالت از منظر رهبران انقلاب اسلامی ۷۱
- الف- در اندیشه امام خمینی علیه السلام ۷۱
- عدالت اجتماعی، از اهداف بعثت انبیاء ۷۲
- عدالت اجتماعی، صورت ظاهر قرآن ۷۲
- ارزش والای تلاشگری در عرصه عدالت اجتماعی ۷۳
- مبارزه بای عدالتی رژیم پهلوی، از اهداف قیام علیه آن ۷۳
- عدالت اجتماعی، از اهداف و مقاصد نهضت اسلامی ۷۳
- بی توجهی به عدالت اجتماعی، زنگ خطر و هشدار ۷۴
- عدالت طلبی، راز دشمنی استکبار با نظام اسلامی ۷۵
- عدالت طلبی، عامل صدور انقلاب ۷۵
- عدالت طلبی، ادای دین به محرومان ۷۶
- تعریف عدالت اجتماعی در اندیشه امام ۷۶
- لوازم تحقق عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی علیه السلام ۷۹
- الف- تشکیل حکومت ۷۹
- ب- اجرای احکام اسلام ۷۹
- ج- نهراسیدن مسئولان از تیرهای تهمت ۸۱
- د- برخورداری مسئولان از تجربه درد فقر و محرومیت ۸۱
- ه- احساس مسئولیت همگانی ۸۲
- و- وجود حاکمانی مومن به عدالت خواهی اسلامی ۸۲
- ز- ساده زیستی و روحیه مردم گرایی مدیران اداره امور مملکتی ۸۳
- ح- دفاع از حقوق طبقات محروم جامعه و طرد فرهنگ اشرافی گرایی ۸۳
- ط- پرهیز از شعارگرایی در دفاع از حقوق طبقات محروم جامعه ۸۴

ب- در اندیشه امام خامنه‌ای	۸۴
برپایی عدالت و هدف بعثت انبیا	۸۶
عدالت در جامعه آرمانی شیعه	۸۹
مشقت‌های عدالت‌خواهی	۹۰
نظام جمهوری اسلامی ایران: الگوی عدالت خواهان	۹۲
عدالت و پیام اصلی انقلاب اسلامی	۹۳
عدالت‌خواهی در روابط بین الملل	۹۴
عدالت و سنگ بنای مشروعیت حاکمان	۹۴
عدالت‌خواهی: حق‌گرایی است، نه تندروی	۹۵
عدالت و پرچمی برافراشته در دست مسئولان	۹۶
عدالت فرهنگی	۹۷
عدالت قضایی	۹۸
جنبش عدالت‌خواهی	۹۸
فصل پنجم: فرآیند شکل‌گیری عدالت اجتماعی	۱۰۵
عدالت و توسعه اسلامی	۱۰۵
عدالت اسلامی تابع توسعه اسلامی	۱۰۷
تبعیت عدالت از توسعه در هر دو مبنای الهی و غیرالهی	۱۰۷
عدالت و توسعه مادی	۱۰۹
نظام عدالت اسلامی	۱۱۰
الف- تحقق عدالت، مبتنی بر صیانت بین‌المللی	۱۱۰
ب- نیازمندی به تولید نظام مفاهیم	۱۱۱
فصل ششم: چالش‌ها و آسیب‌های فقدان عدالت اجتماعی	۱۱۵
الزامات اجرای عدالت	۱۱۵
عدم تحقق عدالت اجتماعی	۱۲۰
چالش‌های ناشی از بی‌عدالتی اجتماعی	۱۲۳
۱- محرومیت‌ها و معضلات اقتصادی	۱۲۴
۲- استفاده‌ی نادرست از سرمایه‌ها و منابع	۱۲۶
۳- فسادهای مالی- اداری	۱۲۸
۴- ظلم‌های اجتماعی	۱۳۰

- ۵- نابرابری در استفاده از موقعیت‌ها و اختلاف درآمدها ۱۳۱
- ۶- عدم توجه به امور اقتصادی اقشار آسیب پذیر ۱۳۳
- ۷- عدم تدوین قوانین مناسب ۱۳۴
- ۸- ترجیح بخش دولتی و عمومی بر بخش خصوصی و تعاونی ها ۱۳۴
- کتابنامه ۱۳۷

مقدمه

حاکمیت اصول و قواعد مشخص در مسیر حرکت هر جامعه‌ای، لازمه نظام اجتماعی است. برخی از اصول، بنیادی، راهبردی و ثابت و برخی دیگر، عملیاتی و کاربردی و تابع مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی تغییرپذیر است. همان‌گونه که در دین اسلام اصول ثابت و متغیر وجود دارد، در انقلاب اسلامی نیز اصول ثابت و متغیر حاکم است. منظور از اصول ثابت، اصولی است که بنیاد حرکت انقلاب بر آن استوار گردیده و از آغاز تا پایان انقلاب، غفلت و تخطی از آنها جایز نیست. اصول متغیر نیز به اصولی اطلاق می‌شود که برابر خصوصیت اجتهادی، امکان و توانایی گزینش نسبت به راه‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های مناسب به اقتضای شرایط و تحولات را به یک مسئول می‌دهد. طبیعی است تغییر روندها و رویه‌ها برابر اقتضائات و نو کردن روش‌ها، امری اجتهادی و پسندیده است در حالی که بازنگری و تجدید نظر در اصول ثابت و تغییرناپذیر، بدعت‌گزاری تلقی شده و ناپسند است.

با پیروزی انقلاب اسلامی اندیشه عدالت طلبی متناسب با آموزه‌های دینی و منطبق امام علیه السلام در باب عدالت در ارکان نظام ج.ا. برای رسیدن به جامعه آرمانی به طور ویژه مورد توجه اندیشمندان و متفکرین ایرانی قرار گرفت که یکی از آنها دیدگاه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای است که این اندیشه بعد از انتخاب ایشان به عنوان ولی فقیه در سال ۱۳۶۸ نمود قابل توجهی در عرصه تحولات ایرانی داشت. رهبری انقلاب اسلامی اندیشه سیاسی و صراط مستقیمی را که بنیانگذار انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده بودند، ادامه داد. بزرگ در کتاب اندیشه سیاسی امام علیه السلام با اشاره به اهمیت موضوع صراط معتقد است هر راهی به غایتی ختم می‌شود که در پایان راه در انتظار رهرو است. این صراط در گفتار و نوشتار و حتی عناوین کتب و جهت گیری‌های فکری- سیاسی و رفتاری متفکران مسلمان نمودار شده است. امام شاخص تشخیص مستقیم در هر عصری، نسلی و مکانی است و برای گم نکردن راه باید به راه در پیش گرفته او توجه کرد. این یکی از مهمترین پیام‌های استعاره صراط در اندیشه ورزی امام خمینی علیه السلام و در کل اندیشه سیاسی شیعه است. راه بدون راهدان در هیچ دوره‌های نیست و راه از رهبری تفکیک ناپذیر است. در امام و راه دانان نوعی ویژگی

پیشتازی، پیشقدمی و قافله سالاری نهفته است.^۱ با این تاکید می‌توان گفت توجه و رویکرد رهبر انقلاب اسلامی به موضوع عدالت به عنوان قافله سالار و رهبر نظام ج.ا.ا. منطبق بر نظرات امام علیه السلام و تا حدود زیادی الگوبرداری از زبان قرآن بوده و ایشان در پیروی از اندیشه های امام علیه السلام توجه ویژه ای به مسئله عدالت داشته که بیشتر ناظر به کارکرد اجتماعی عدالت است.

در حالی که بیشتر متفکران حوزه‌ی عدالت پژوهی کم و بیش بر جنبه‌ی نظری بحث متمرکز شده و کمتر سخن از عدالت در حوزه عملی دارند، نگاه رهبر انقلاب اسلامی در پیروی از اندیشه سیاسی امام علیه السلام به عدالت به عنوان یک مفهوم ارزشی در نزد مصلحان اجتماعی و متفکران و مردمان محروم و مستضعف از منزلت خاصی در هر دو بخش نظری و عملی برخوردار است. در بخش نظری مفهوم عدالت و تعاریف و اقسام آن و بحث در تعیین اصول عدالت و در بخش عملی برنامه‌ها و شاخص‌های عدالت در حوزه‌های مختلف جامعه از جمله قانون‌گذاری و قضاوت و اقتصاد، نظام آموزشی و بهداشت و درمان در اندیشه‌های رهبری ملموس و قابل مشاهده است.

در انقلاب اسلامی اصولی نظیر؛ عدالت، آزادی، استقلال، معنویت و اخلاق، مردم‌سالاری، خدمت به مردم، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از مظلوم، مبارزه با فساد و ظلم و زورگویی در زمره اصول محکم و تغییرناپذیر به شمار می‌روند که مظهر همه اینها، قانون اساسی است.^۲

مقام معظم رهبری در تبیین شاخصه‌های مکتب سیاسی امام، مسأله عدالت اجتماعی را یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط می‌داند که در قانون‌گذاری، اجرا و قضا باید مورد نظر باشد.^۳ همچنین هدف اصلی در نظام جمهوری اسلامی ایران را، تأمین عدالت برمی‌شمرد و اینگونه می‌فرماید:

... من این را صریحاً عرض می‌کنم که در جمهوری اسلامی، سیاست‌ها براساس عدالت

۱. برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۰، سیاست به مثابه صراط، تهران، سمت، ص ۲۹۳

۲. بیانات مقام معظم رهبری در جمع زائران حرم امام خمینی ۸۱/۳/۱۴

۳. همان

تنظیم می‌شود، از ابتدای انقلاب همین بوده است و تا همیشه نیز همین خواهد بود. هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است.^۱

نظر به اینکه جمهوری اسلامی ایران، الگوی نظری و عملی خود را حکومت‌علوی می‌داند، باید همه مردم و مسئولین با تاسی به سیره نظری و عملی آن حضرت در عدم مدهانه نسبت به اجرای عدالت، ملتزم به این اصل محوری باشند که عدالت قابل اغماض و معامله نیست و هیچیک از مصالح فردی و جمعی نمی‌تواند با عدالت معامله شود.^۲

بی‌شک اجرای عدالت نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است. همان قدر که توصیف عدالت آسان می‌نماید اجرای آن مستلزم تحمل سختی‌ها و هزینه‌هاست. مقام معظم رهبری، ضرورت برنامه‌ریزی برای اجرای عدالت را چنین یادآور می‌شوند:

بسیجی عدالت طلب است، عدالت طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت طلبی به این نیست که انسان رو در روی کسی بایستد و بگوید تو عدالت طلب نیستی؛ نه، این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ و الا خیلی سیاست‌های عدالت طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما ساز و کار، آدم‌ها، مهره‌ها، قلم به دست‌ها و امضاء کننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیل (برو بابا دلت خوشه) است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آن جاها را باید اصلاح کرد.^۳

براین اساس تبیین ماهیت و هویت گفتمان عدالت محور در متن انقلاب اسلامی اساس تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد که امید است کاری در خور پدیده بی بدلیل عصر یعنی انقلاب اسلامی باشد.

پیرامون ضرورت و اهمیت موضوع پژوهش در این کتاب باید دانست که یکی از ابعاد

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ۷۱/۱۰/۱۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه نماز جمعه ۸۲/۸/۲۳.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان بسیجی ۸۴/۳/۵.

مهم انقلاب اسلامی، ایجاد نظام قسط و بهره‌وری و برقراری عدالت اجتماعی می‌باشد و این شعار چه در سطح ملی و یا منطقه‌ای و بین‌المللی با تمامی نظام کفر و سیطره و سلطه او بر سراسر عالم در تضاد می‌باشد. احقاق حقوق، اقامه قسط و عدالت اجتماعی، حکومت اسلامی را از دیگر نظام‌های سیاسی متمایز می‌سازد زیرا هدف اصلی در آن نظام‌ها تلاش در جهت دستیابی به قدرت و منافع مادی است و نه رسیدن به کمالات انسانی و ارزش‌های والای معنوی. رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری همواره به این جنبه از اهداف نظام اسلامی توجه و عنایت خاصی مبذول داشته و در هر فرصتی بر ضرورت و اهمیت آن تأکید می‌کنند.

«فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم، تبعیض و تحمیل، نجات یافته و در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام، عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند.»^۱

عدالت اجتماعی بدین معناست که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری نابحق و محرومیت‌ها از میان بروند و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد.^۲

بنابراین ویژگی مهم انقلاب اسلامی ایجاد عدالت اجتماعی در زمینه‌های اقتصادی و جریان قوانین در نظام الهی می‌باشد.

حیات نظام استکباری در نفی عدالت اجتماعی

از مطالب مهمی که باید بدان توجه نمود، ارتباط نظام کفر با عدالت اجتماعی می‌باشد. به نظر ما تحقق عدالت اجتماعی تنها در سایه استقرار نظام الهی ممکن خواهد بود و لذا وجود عدالت اجتماعی نه تنها با نظام کفر سازگاری ندارد بلکه تنها در صورت وجود

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در تاریخ ۶۹/۳/۱۰

۲. مجله پاسدار اسلام شماره ۹۳ - شهریور ۶۸ - سخنان مقام معظم رهبری

فاصله طبقاتی و نفی عدالت اجتماعی، نظام کفر می‌تواند در سطح ملی و جهانی به حیات خود ادامه دهد و همین امر باعث مخالفت صریح نظام کفر جهانی با تحقق و استمرار انقلاب اسلامی گردیده است.

به دیگر سخن نظام کفر به دلیل سازو کارهای مخصوص رشد و توسعه نظام خود، تنها در صورتی می‌تواند به شاخصه‌های توسعه مادی دست پیدا کند که تمامی ساختارهای اجتماعی نظام خود را بر محوریت رشد نرخ ربا برای دست یابی به تلذذ مدام شکل دهد و این امر به کرامت سرمایه می‌انجامد و نه به کرامت انسان.

در نظام استکباری، اقتصاد کلان و خرد جز با موتور ربا حرکت نمی‌کند و نتیجه‌اش جز مکیدن خون مستضعفین نمی‌باشد؛ چراکه توزیع درآمد عامه نیروهای تولید و توزیع و مصرف که به فراخور چرخش ربا تنظیم می‌گردد نتیجه‌ای جز تسلط عده‌ای سرمایه بدست ربا خوار و «طاغی علی الله» بر نیروها، کار آنها و نتیجتاً رشد سرمایه‌داری سرمایه‌داران در بر ندارد و در حقیقت همه جامعه، همه تحرکات، همه شغلها، همه منابع، همه تکنیک‌ها و همه تنظیمات اداره در افزایش نرخ بهره و تأمین امنیت رشد سرمایه قرار دارند. مسلم است که در این میان واقعیت‌های افسانه‌ای رشد سرمایه و تمرکز پول‌های بی‌حد و حصر به منصف ظهور می‌رسند و اختیارش در دست عده‌ای معدود قرار می‌گیرد و با توجه به همین مکانیزم رشد اهواء و سود پرستی است که جهت تحقیقات علمی، و کیفیت اداره آکادمی‌های علوم و دانشگاهها و نیز چگونگی مدیریت نظام تمرکز سلب اختیارات در دنیای جهان‌خواران مشخص می‌شود. این چنین است که موضوعات معادلات عرضه و تقاضا، مسأله بازار بورس، ارز، قیمت و قیمت گذاری، الگوی مصرف، سیستم توزیع و تولید، نظام تأمین اعتبارات و کلیه مکانیزم‌های تحرك اقتصادی نظام غرب، فرآیند معادله تأمین تلذذ و عامل حفظ آن یعنی «ربا» (شمرده می‌شوند که در جایگاه خاص خوشان محتاج مطالعه و بررسی هر چه بیشتر است).

در اینجا جا دارد به قسمتی از پیام امام امت در توصیف از نظام اقتصادی جهان‌خواران اشاره شود و دقت شود که رهبر کبیر انقلاب اسلامی نه به عنوان يك خطابه یا توصیف عرفی

بلکه از جایگاه يك حرکت فیلسوفانه اقتصادی، رابطه مکانیزم‌های مختلف نظام را با جهت‌گیری کلی نظام دنیاطلبی سرمایه داری تبیین می‌نماید و بعد از طرح ضرورت مقابله جدی با دو فرهنگ ظالمانه و منحط اقتصادی شرق و غرب و مبارزه با سیاست‌های اقتصاد سرمایه داری و اشتراکی در جامعه می‌فرماید:

هرچند که این بلیه، دامنگیر همه ملت‌های جهان گردیده است و عملاً بردگی جدیدی بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زرو زور پیوند خورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصادی جهان از آنها سلب شده است و علیرغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصلخیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و دخیار، به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند و کمونیست‌ها و زراندوزان و سرمایه داران با ایجاد روابط گرم با جهان‌خواران حق حیات و ابتکار عمل را از عامه مردم سلب کرده‌اند و با ایجاد مراکز انحصاری و چندملیتی عملاً نبض اقتصادی جهان را در دست گرفته و همه راه‌های صدور و استخراج و توزیع و عرضه و تقاضا و حتی نرخ گذاری و بانکداری را به خود منتهی نموده‌اند و با القاء تفکرات و تحقیقات خود ساخته به توده‌های محروم باورنده‌اند که باید تحت نفوذ ما زندگی کرده و الا راهی برای ادامه حیات پابرنه‌ها جز تن دادن به فقر باقی نمانده است و این مقتضای خلقت و جامعه انسانی است که اکثریت قریب به اتفاق گرسنگان در حسرت يك لقمه نان بسوزند و بمیرند و گروهی اندک هم از پر خوری و اسراف و تبعیض جانشان به لب آید...^۱

تحقق عدالت اجتماعی در نظام اسلامی دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی می‌باشد که برای تحقق آن می‌بایست همه اینها مورد توجه قرار گیرند و خلاصه اینکه نظام اجتماعی و نظام اقتصادی بر محور توسعه تقرب شکل بگیرد.

بررسی ابعاد عدالت اجتماعی، خود نیازمند بحث مفصلی می‌باشد که در اینجا تنها به ابعادی از آن اشاره می‌کنیم که در نامه مقام معظم رهبری به ریاست محترم جمهوری در برنامه دوم توسعه تاکید و عنایت شده است:

الف - تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی.

ب - دریافت مالیات بر حسب برخورداری از درآمد.

ج - حمایت جدی و قانونی از اقشار مستضعف جامعه در زمینه‌های مربوط به خدمات دولت و قوه قضاییه

د - بذل توجه و کمک بیشتر به مناطق محروم و روستاها در زمینه‌های مختلف، خاصه ایجاد اشتغال، بهداشت و توسعه فضاهاى آموزشى و فرهنگى

هـ - اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از هر آنچه منجر به درآمدهای بادآورده می‌شود.

و- ایجاد زمینه‌های اشتغال بارعایت استعدادها و اولویت‌های منطقه‌ای

ز- گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی^۱

البته اجرای کامل عدالت اجتماعی محتاج به برابری همه در مقابل قانون و اجرای یکسان حدود الهی و توجه خاص به اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه می‌باشد. در نظام الهی، همه افراد از هر قشر و طبقه‌ای با هر عنوان و منصبی در برابر قانون برابرند و از طرف دیگر مجریان و کارگزاران نظام اسلامی نیز موظفند حدود و مقررات الهی و اسلامی را در مورد همه افراد و طبقات بدون کمترین اغماض اجرا کنند و در اجرای قانون هم توجه بیشتر خود را به طبقات محروم و پابرهنگان جامعه معطوف دارند.

بر این اساس ضرورت تبیین موضوع عدالت اجتماعی که به عنوان یک گفتمان غالب در عصر انقلاب اسلامی ظهور و بروز پیدا کرده است به خوبی احساس می‌گردد که شالوده پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

بنابر مطالب پیش گفته در این کتاب در جهت پاسخگویی به این سوال اصلی هستیم

که: رابطه انقلاب اسلامی و گفتمان عدالت محور چیست؟

بدین ترتیب سوالات فرعی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- مبانی گفتمان عدالت محور چیست؟

۲- مولفه‌های گفتمان عدالت محور کدامند؟

۳- گفتمان عدالت‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی چیست؟

۴- فرایند شکل‌گیری عدالت‌اجتماعی در جامعه انقلاب اسلامی چیست؟

۵- چالش‌ها و آسیب‌های فقدان عدالت‌اجتماعی کدامند؟

فرضیه این پژوهش عبارت است از: فرایند انقلاب اسلامی در راستای عدالت‌اجتماعی، امتیازات و محدودیت‌هایی (ابعاد دو‌گانه فرصت‌ها و چالش‌ها) را برای نظام جمهوری اسلامی که به عنوان اتاق فکر انقلاب اسلامی قرار دارد فراهم می‌آورد که چگونگی ساختارهای داخلی و نیز نحوه مواجهه با این ابعاد دو‌گانه مسیر آینده انقلاب اسلامی را در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از یک سو و جایگاه آن در نظام متحول جهانی از سوی دیگر تعیین خواهد کرد.

رویکرد عدالت‌محور در مطالعه و ارزیابی موضوع این کتاب و در جهت پاسخگویی سوالات فوق به کار گرفته می‌شود با استفاده از رویکرد فوق، و با درپیش گرفتن روش توضیحی - توصیفی و با بهره‌مندی از مطالعات و تحلیل‌های تاریخی و نیز به کارگیری داده‌ها و منابع کتابخانه‌ای به بررسی موضوع و پاسخ به سوالات هستیم.

تلاش خواهیم کرد پیامدها و ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گفتمان عدالت‌محور بر پدیده انقلاب اسلامی و تعامل آن با فرایند نظام‌های موجود جهانی را تبیین نماییم.

اهداف پژوهش در این کتاب عبارتند از:

- بیان چستی گفتمان عدالت‌محور در عرصه انقلاب اسلامی

- تبیین مواضع و اندیشه‌های رهبران انقلاب پیرامون عدالت‌اجتماعی

- بررسی مفاهیم کلان موجود در حوزه انقلاب اسلامی و نسبت آنان با آموزه‌های دینی و

آراء و اندیشه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای

- بررسی ابعاد، مولفه‌های ساختار و فرایند تحقق عدالت‌اجتماعی در عرصه انقلاب اسلامی

- آسیب‌شناسی فقدان عدالت‌اجتماعی و آثار مخرب آن در ابعاد و سطوح مختلف

انقلاب اسلامی

مفاهیم عمده و ابعاد موضوع

۱- انقلاب و انقلاب اسلامی

در زبان فارسی به نقل از فرهنگ دهخدا در بیان معنای انقلاب آمده است، انقلاب به معنای برگشتگی، تغییر و تبدیل، تحول و تغییر ماهیت می‌باشد^۱

معنای دیگری که برای انقلاب آمده عبارتند از انصراف^۲ و تحول^۳ می‌باشد.

از نظر تعریف اصطلاحی، انقلاب از مفاهیم جنجال‌برانگیز جامعه‌شناسی است که به رغم پشت‌سر گذاشتن فراز و نشیب‌های فراوان، هنوز بر سر مفهوم آن توافقی به دست نیامده است. یا وجود این دانشمندان از پای ننشسته و همواره سعی بسیاری در سامان بخشی نظری این حوزه داشته‌اند. حاصل این تلاش پی‌گیر، البته در خور توجه و گشایش‌گر است. وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، پدیده‌ای بود که عملاً عموم نظریه‌های انقلاب را به چالش خواند و لذا سرآغاز موج تازه‌ای از تکاپوی نظری برای دستیابی به نظریه‌ای منسجم شد.

برای واژه انقلاب معانی متعددی شده است که عبارتند از: و اما تعاریف متعددی که اندیشمندان بیان نمودند عبارتند از:

۱- انقلاب، در اصطلاح به معنای دگرگونی بنیادی در نظام اجتماعی و سیاسی یا در جنبه‌ای از زندگی فرهنگی، اجتماعی، و فکری است. اما آنچه موضوع نظریه‌های انقلابی و همچنین شناخت معنای اجتماعی انقلابهاست آن اقتصادی جامعه روی می‌دهد. موضوع این نظریه‌ها نه تنها مسئله‌ی تغییر فرمانروایان بر اثر انقلاب بلکه تغییر طبقات فرمانروا، روشهای فرمانروایی، نهادهای اجتماعی و نیز ماهیت شر و شورها و کردارهای انقلابی است که به چنین تغییرهایی می‌انجامد و نیز پیامدهای دراز مدت چنین دگرگونیهایی^۴.

۲- هانا آرنت براساس نتایج و پیامدهای انقلاب به تعریف آن می‌پردازد بدین معنی «هر

۱. فرهنگ دهخدا- تهران-دانشگاه تهران-۱۳۴۶-ص ۴۳۱

۲. مفردات الفاظ قرآن صفحه ۶۸۱

۳. لسان العرب ج ۱ ص ۶۸۶

۴. آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی، نشر مروارید، چاپ پنجم ۱۳۷۸، ص ۴۷.

داستانی که آدمیان آغاز و اجرا کنند، فقط هنگامی معنای داستین خود را آشکار می‌نماید که به پایان رسیده باشد»^۱

وی روح اصلی انقلاب را آزادی می‌داند و روح انقلابی را حاوی دو عنصر معرفی می‌کند: نخست عمل بنیادگذاری و ایجاد شکل جدیدی از حکومت که با نگرانی شدید درباره ثبات و ماندگاری بنای جدید توأم است و دوم احساسی از شادی، آگاهی و توانایی برای آغازگری.^۲

مراد از انقلاب اسلامی، وجود تحولات عمیق و بنیادینی است که بر اساس يك رابطه منطقی با دین در مرحله‌ای سیاست، فرهنگ و اقتصاد يك مملکت پدید می‌آید و آن را به يك برنامه اجرایی اسلامی در جهت تغییر و دگرگونی تبدیل خواهد نمود.

براین اساس عواملی که انقلاب اسلامی را از نظریه‌های غربی انقلاب، از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد، عبارتند از:

- تحول انسانی و اجتماعی از اشتراکی به ایدئولوژی اسلامی
- متدلوژی فعالیت اجتماعی
- تاکتیک‌ها
- بکارگیری شعارهای اسلامی از تاریخ اسلام
- محوریت مسجد جهت سازماندهی و شبکه ارتباطی
- بیداری اسلامی توده‌ها و آمادگی آنها برای شهادت با هدف استقرار حکومت اسلامی که یگانه هدف آن فعل به اهداف انسانی و مدنی و حذف بی‌عدالتی، استثمار و استقرار عدالت از سراسر جهان می‌باشد.

کلیم صدیقی (۱۹۲-۱۹۸۲) مفهوم انقلاب اسلامی را این گونه بیان می‌نماید:

«انقلاب اسلامی حالتی از يك جامعه است که در آن:

۱- همه مسلمین يك منطقه بسیج می‌گردند تا اراده و تلاش ایشان غیر قابل انکار و

شکست‌ناپذیر گردد،

۱. هانا آرنت، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۳۲۰.

۲- جامعه اسلامی رهبری بر می‌گزیند که پایبند به اهداف مدنی اسلام باشد و دنبال منافع يك قشر خاص نباشد،

۳- نیروهایی که از این طریق آزاد می‌گردند، قادر هستند جامعه را در همه سطوح داخلی بازسازی نمایند.

۴- نظام اجتماعی اعتماد و پایداری لازم جهت مواجهه با جهان خارج را بر اساس شرایط خود کسب می‌نماید.^۱

۲- عدالت و عدالت اجتماعی

از دیر باز تاکنون، یکی از اشتغالات عمده اندیشمندان، جستجوی مبانی عدالت و قانون عادلانه در جامعه بوده است. در فلسفه سیاسی غرب، یکی از مشکلات اساسی درباره مفهوم عدالت، گستردگی تعاریف و برداشتها درباره آن است. یکی از اندیشمندان غربی به نام پرلمان (Prelman) معتقد است، چند معنایی بودن مفهوم عدالت موجب استعمال آن به صور متنوع و مختلط شده است. از این‌رو، احصای تمام معانی عدالت، و همی بیش نیست. وی چند معنای آشتی‌ناپذیر این مفهوم را به شرح زیر عنوان می‌کند:

۱. به هر کس چیزی یکسان تعلق گیرد.

۲. به هر کس متناسب با شایستگی‌اش چیزی اختصاص یابد.

۳. به هر کس متناسب با کارکرد و تولیداتش چیزی اختصاص یابد.

۴. به هر کس متناسب با نیازهایش چیزی تعلق گیرد.

۵. به هر کس متناسب با رده و طبقه‌اش چیزی داده شود.

۶. به هر کس متناسب با آنچه قانون برای وی در نظر گرفته چیزی اختصاص یابد.^۲

پرلمان همه معانی مزبور را نقد نموده و اشکالات بسیاری را بر آنها وارد می‌سازد. از نظر وی، مفهوم مشترك در معانی فوق از عدالت، در معنای صوری آن، یعنی «عمل به طریقه برابر» نهفته است. وی عقیده دارد که «هم مفهوم انتزاعی عدالت و هم مفهوم انضمامی آن، از حیث معنا متعدد و متکثر هستند؛ زیرا اختلافات ارزشی در گذشته و حال و

۱. رك نظریه جامع انقلاب اسلامی - دکتر پرویز شافی

2. chaim Prelman, justice et Raison, edition de universitie de puxelles, 2ed, 1970

در کل جوامع و همچنین تغییر ارزش‌های اجتماعی در گردونه زمان، باعث تغییر در رویه اعمال عدالت و مفاهیم انضمامی آن است.^۱

برخی در يك منظر عمومی، مشاجره فلاسفه سیاسی غرب، اعم از کلاسیک و مدرن، درباره عدالت را ناشی از تعبیر این مفهوم در سه معنای متفاوت می‌دانند. «به عبارت دیگر، در تعبیر مختلف، عدالت بر یکی از سه اصل زیر استوار است:

(۱) برابری، (۲) شایستگی، (۳) نیاز^۲ اندیشمند معاصر بریان باری بر این باور است که، «مفهوم عدالت امروز به نحوی تحلیلی به استحقاق و نیاز وابسته شده است، به طوری که با اِتقان می‌توان گفت: بخشی از آنچه هیوم قواعد عدالت می‌نامید، غیرعادلانه بوده است.^۳

نظر کلی آنتونی کوئینتن نیز درباره مفهوم عدالت، شایان توجه است. وی دو نظریه بنیانی و عمومی در این باره دارد که یکی نظریه سلبی و دیگری نظریه ایجابی است:

نظریه سلبی در مورد عدالت این است که، دولت نباید با شهروندان با تبعیض و تفاوت رفتار کند، مگر در صورتی که در زمینه‌های مورد نظر میان خود ایشان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در حالی که، بنا بر نظریه ایجابی عدالت، دولت باید در پی آن باشد که نابرابری‌های طبیعی و امتیازات شهروندان را از میان بردارد و یا آن را جبران کند. می‌توان استدلال کرد که، دو نظریه اخیر هیچ‌گونه تفاوت واقعی با یکدیگر ندارند؛ زیرا همان را که يك طرف نابرابری طبیعی قلمداد می‌کند که دولت باید آن را برطرف کند، طرف دیگر می‌تواند تفاوتی بدانند که تبعیض در رفتار دولت را توجیه می‌کند.^۴

واژه عدالت اجتماعی که معادل واژه انگلیسی «Socil Justice» است، از جمله مفاهیمی است که در فلسفه سیاسی مورد بحث قرار گرفته، دیدگاه‌ها و برداشت‌های متعددی از آن ارائه شده است. این واژه ترکیبی، بیانگر مفهوم خاصی از عدالت است که با اقسام دیگر آن از قبیل، عدالت طبیعی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی، عدالت فردی و اخلاقی، تفاوت‌هایی دارد.

۱. همان.

۲. بشیریه، حسین، دولت عقل، تهران، علوم نوین، ۱۳۷۴.

۳. باری، بریان، «عدالت و خیر عمومی» ر.ک: آنتونی کوئینتن (ویراسته) فلسفه سیاسی، مرتضی اسعدی، تهران، ۱۳۷۴.

۴. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین آرمانهای بشری از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران قرار گرفته است. در اندیشه شرق باستان عدالت اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار بوده است. یکی از قدیمی ترین آثاری که به مسأله عدالت اجتماعی پرداخته است، مجمع القوانين حمورایی است.

در اندیشه سیاسی غرب نیز می توان طرح مسأله عدالت اجتماعی و اهمیت آن را مشاهده کرد. در دوران یونان باستان عدالت اجتماعی به محور اصلی فلسفه سیاسی تبدیل می گردد. دغدغه اصلی سقراط و افلاطون در این دوران مسأله عدالت است. از ابتدای دوره مدرنیته نیز هر چند که عدالت اجتماعی محوریت خود را در فلسفه سیاسی از دست داد، اما همچنان یکی از مباحث مهم در فلسفه سیاسی مدرنیته باقی می ماند. به عنوان نمونه مارکس و انگلس از جمله اندیشمندان دوران مدرن هستند که در بحثهای خود با رویکرد خاصی به عدالت اجتماعی پرداخته اند. در قرن بیستم نیز عدالت اجتماعی همچنان در کانون مباحث فلسفه سیاسی قرار دارد که به عنوان نمونه می توان در تئوری جان راولز، برجستگی بحث عدالت اجتماعی را مشاهده کرد.

در اندیشه سیاسی اسلام نیز عدالت اجتماعی از جایگاه والایی برخوردار بوده است. فیلسوفان سیاسی مسلمان از جمله فارابی، ابن سینا و به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی عدالت اجتماعی را مورد توجه خود قرار داده اند. عدالت اجتماعی در آثار اندیشمندان مسلمان با رویکرد خاصی مطرح شده است.

عدالت اجتماعی به معنای رعایت تناسب، استحقاقها و شایستگیها در ساحت اجتماع است. در این تعریف، هر گروه و صنف و طبقه ای باید در جایگاه شایسته خویش جای گیرد و در پی جایگاه دیگران بر نیاید. عدالت اجتماعی مبتنی بر احوال و افعال اعضای جامعه است و مرتبت هر کس بنابر استحقاق و استعداد او تعیین می شود.^۱

۳- گفتمان

مفهوم «گفتمان» در سالهای اخیر، کاربردهای معنایی متعدد و متفاوتی پیدا کرده است. این واژه در گرایشهای علمی گوناگون مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، نقد ادبی،

۱. فرهنگ واژه‌ها، ص ۳۷۶.

زبان‌شناسی و ...، این معانی خاص خود را دارد. معمولاً مراد از گفتمان، متن، زبان، سخن و یک رویداد ارتباطی و صورت زبانی است که بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد و در موقعیت‌های مختلف، دارای کارکردهای متفاوت در این شبکه است. از سویی، مطالعه گفتمان‌ها و گفتارهای سیاسی و اجتماعی، برای فهم حدود و نحوه تحولات سیاسی، اجتماعی و گستره و میزان ارتباط این تحولات و آتیه‌نگری آنها بسیار حائز اهمیت است. به همین دلیل، تحلیل گفتمانی و نظریات گفتمان، دارای مکان ارزشمند و بایسته‌ای در میان علوم و روش‌های علمی می‌باشند و با گذشت زمان، بر اهمیت این حوزه مطالعاتی افزوده شده است.

باید اذعان داشت که تحلیل گفتمانی یا نظریه گفتمان^۱ به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد.^۲ به عبارت دیگر، شیوه تحلیل گفتمانی با پرداختن روشمند به نظام‌های معنایی و آرایش گفتمان‌ها، تلاش می‌کند تا باورها و اندیشه‌های مفصل‌بندی شده، منضبط و معنادار را، که در قلمروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قالب‌ریزی و هویت یافته و متمایز شده‌اند، مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهد و با استفاده از نتایج این روش علمی، به بهینه‌سازی این گفتمان‌ها و حیات سیاسی، اجتماعی جوامع مبادرت ورزد.

انقلاب اسلامی ایران نیز دارای گفتمان‌های سیاسی متنوع و متعاقبی مانند گفتمان سازندگی، و گفتمان اصلاح‌طلبی بوده است. با روی کار آمدن دولت نهم، گفتمانی در جمهوری اسلامی در این دولت شکل گرفت که با تأکید بر اصول و ارزش‌های انقلابی و اسلامی و تأکید ویژه بر موضوع عدالت، می‌توان آن را «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه» نامید.

۴- عدالت در قانون اساسی

عدالت از جمله مفاهیم بنیادی در عرصه نظریه‌های سیاسی است که از دیرباز، دغدغه خاطر انسان بوده و ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول داشته است. فلاسفه بزرگی چون افلاطون و ارسطو در دوره کلاسیک غرب و فیلسوفانی چون فارابی در دوره اسلامی، و برخی از

۱. مک دانل، دایان، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین علی نودری، تهران، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۰.

۲. هوارث، دیوید، «نظریه گفتمان»؛ ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۵۶-

نظریه پردازان سیاسی معاصر، همگی این مسئله را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در اندیشه اسلامی نیز عدالت از جایگاه مهمی برخوردار است و بویژه در اندیشه شیعه، عدل، یکی از اصول پنج گانه اعتقادی آن است که علاوه بر عرصه خداشناسی، بازتاب‌های مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی دارد. شاید به دلیل اهمیت بنیادی این مفهوم است که تا کنون آراء، نظریه‌ها و راه کارهای مختلف و گاه متعارضی از سوی مکاتب گوناگون، در مورد عدالت ارائه شده است. لذا همانند بسیاری از عرصه‌های فکری دیگر، هنوز راه حلی نهایی در این خصوص از سوی مکاتب بشری، ارائه نشده است.

عاقلاً آن خواهد بود که انسان امروزی به دنبال عدم دستیابی به پاسخ نهایی در چنین مکاتبی، دست به دامان وحی شده، پاسخ خود را از خالق عادل جهان هستی دریافت کند؛ چرا که بیعت پیامبران و تشریح ادیان نیز برای به سعادت رساندن انسان‌ها با اجرای قسط و عدل در زندگی آنان بوده است و دین اسلام نیز به عنوان آخرین پیام الهی برای بشر، می‌تواند تحقق عدالت را برای جامعه بحران زده امروزی به ارمغان آورد، به طوری که می‌توان اجرای عدالت را بزرگ‌ترین هدف تشکیل حکومت اسلامی دانست.

در جمهوری اسلامی ایران، به عنوان نظامی که از وحی سرچشمه گرفته و قدرت و حاکمیت خود را منتسب به خدا می‌داند، عدالت، نقش مهمی دارد. حتی اگر در عمل، عدالت به طور کامل اجرا نشود، پایه‌های نظام بر عدالت استوار شده و حداقل در اساسی‌ترین نظریه‌ها و قوانین بر آن تأکید شده است، به طوری که با نگاهی اجمالی به قوانین ایران می‌توان به وضوح، به این مسئله پی برد. قانون اساسی ایران، به عنوان مهم‌ترین قانون کشور و میثاق ملی - که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس آن شکل گرفت -، در اصول متعددی به عدالت اشاره کرده و اجرای آن را یکی از اساسی‌ترین وظایف دولت و مسئولان کشور بر شمرده است. در همین راستا، اصول قانون اساسی باید مورد بررسی قرار گیرد. در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی اصول مختلف قانون اساسی، نمایی از عدالت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بیان کنیم.

نگاهی به اصول قانون اساسی

همان‌طور که ذکر شد، در جای‌جای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از ارزش‌هایی چون عدالت، برابری و مساوات، حمایت شده است. بر این اساس اگر همه نهادهای کشور، خود را به رعایت آرمان‌های اعلام شده ملتزم بدانند بدون تردید از دامنه سلطه‌گری‌ها کاسته می‌شود و جامعه به تعادل مطلوب نزدیک می‌گردد؛ از طرفی چون آموزه‌های دینی ما نیز عدالت را مورد تأیید و تأکید بسیار قرار می‌دهد، با وجود دادگاهی دلسوز و عدالت‌گستر، می‌توان راه‌های مناسبی برای تحقق آرمان برابری و تعدیل قدرت‌ها به کار بست.

اصل دوم

پایه‌ای از اصول قانون اساسی را می‌توان اصول کلی و «راهنما» در این میثاق ملی نامید. در بند «ج» از اصل دوم این قانون که در مقام بیان پایه‌های نظام جمهوری اسلامی است، عبارت «نفی هر گونه ستمگری و سلطه‌پذیری و اجرای قسط و عدل» گنجانده شده است. یکایک این واژه‌ها، مفهومی دارد که به جای خود به کار گرفته شده است، به طوری که واژه قسط و عدل، به هیچ وجه به امور اقتصادی منحصر نیست و در قلمرو سلطه بر انسان‌ها نیز ضروری دانسته شده و مانع از حکومتی می‌شود که به تبعیض و تجاوز به کرامت انسانی بینجامد.

اصل سوم

آن کس که خواهان اجرای عدالت است و آن را ارزشی متعالی می‌داند، همه چیز را با معیار آن می‌سنجد و گستره عمل آن را به تمام زمینه‌های حقوقی، گسترش می‌دهد، و در این راه، تا آن جا پیش می‌رود که عدالت، تمام جنبه‌های زندگی او را در بر بگیرد. از این رو در بند ۹ از اصل سوم که در آن، وظایف دولت تبیین شده، وظیفه‌ای بسیار اساسی در نظر گرفته شده است که عبارت است از: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی». در بند ۱۴ همان اصل نیز چنین آورده شده است که: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون، از وظایف دولت است».

این عبارت‌ها نه شعار است و نه توصیه محض، بلکه باید اصول هدایتگر خط مشی سیاست‌های حقوقی، اداری، اقتصادی و اجتماعی دولت باشد؛ اصولی که مراجع رسمی

ناظر بر اجرای درست قانون اساسی می‌توانند با استناد به آنها از حقوق ملت در برابر هر تجاوزی دفاع کنند. بدون تردید، ایجاد امنیت قضایی عادلانه، مستلزم حکومت کامل قانون، علنی بودن دادگاه‌ها، حق دادخواهی و انتخاب وکیل برای همگان، تعیین و انتصاب قاضیان آگاه و امین و ده‌ها تمهید حقوقی و اداری دیگر است.

اصل یکصد و هفتم

به جرئت می‌توان گفت که در دنیای امروز، همه از لحاظ نظری پذیرفته‌اند که انسان‌ها باید برابر باشند و برابری را سنگ نخستین عدالت برشمرده‌اند؛ هر چند که در عمل، نابرابری‌های بسیاری مشاهده می‌شود که گاه حتی قابل رفع نیز نیستند، ولی شدت این نابرابری‌ها هر مقدار که زیاد هم بوده باشد، از ارزش برابری نکاسته، و تبعیض‌ها را تحمل پذیر نساخته است؛ بلکه برعکس، قدر این ارزش و احساس نیاز به وجود آن را بیشتر و محسوس‌تر نموده است.

در جهان امروز، برابری را می‌توان نشانه تمدن دانست، بویژه برابری همگان در برابر قانون. از این رو، پیمان ملی ایرانیان نیز، بر تساوی عموم در برابر قانون تأکید شده است. این قاعده ارزشمند چنان اهمیتی دارد که در پایان اصل صد و هفتم قانون اساسی، حتی رهبر را در برابر قوانین با سایر افراد کشور، مساوی دانسته است که از آن می‌توان استنباط کرد که نه تنها رهبر، بلکه تمامی مقام‌ها باید با شهروندان عادی برابر باشند.

اصل‌های نوزدهم و بیستم

در فصل سوم قانون اساسی ما که با عنوان «حقوق ملت» تدوین شده و می‌توان از آن به حقوق بشر، حقوق و آزادی‌های اساسی و حقوق و تکالیف حکومت و شهروندان یاد کرد، اصول و قواعدی با وصف عادلانه، مورد تصریح قرار گرفته است. دو اصل نوزدهم و بیستم، صراحت بیشتری در برابری مردم ایران دارد که با عبارت‌های ذیل بیان شده است:

«مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود».

«همه افراد اعم از زن و مرد، به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصل سی و چهارم

برابری عموم در برابر محاکم، و حق همگان در دسترسی به دادگاه‌ها نیز از اصول قابل توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. اصل سی و چهارم این قانون می‌گوید: «دادخواهی، حقّ مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی، به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون، حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد».

چند اصل دیگر

در اصول دیگر فصل سوم قانون اساسی، به منظور تأمین عدالت، اصول حمایت از حقوق انسانی و جان و مال و مسکن اشخاص (اصل ۲۲)، آزادی مطبوعات (اصل ۲۴)، آزادی احزاب و جمعیت‌ها (اصل ۲۶)، آزادی شغلی (اصل ۲۸)، امنیت قضایی (اصل ۳۲ تا ۳۹)، بویژه اصل برائت (اصل ۳۷)، قانونی بودن مجازات و دادگاه (اصل ۳۶)، ممنوعیت شکنجه برای اخذ اقرار و شهادت (اصل ۳۸)، منع سوء استفاده از حق (اصل ۴۰)، احترام به مالکیت مشروع (اصل ۴۶ و ۴۷) مورد توجه قرار گرفته است.

به طور کلی، مؤثر بودن هر نظام حقوقی، در درجه نخست، به این بستگی دارد که قواعد آن نظام، از سوی تابعان آن، مورد پذیرش قرار گیرد. تابعان حقوق در صورتی به راحتی به اجرای قواعد آن تن می‌دهند که وضع آن را عادلانه بدانند و گرنه در برابر آن، مقاومت خواهند کرد. در پایان می‌توان این چنین نتیجه گرفت که دوام و بقای اجتماعات و سعادت انسان‌ها در گرو فعلیت یافتن و اجرای درست عدالت در امور مردم است. عدالت، شرط سعادت اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی است. دانش حقوق، موظف است عدالت را بر پا دارد و از آن رو «علم عدالت» خوانده می‌شود. اگر تحقق صلح و امنیت اجتماعی، از اهداف علم حقوق در صحنه داخلی و جهانی است باید حقوق بشر را مورد توجه جدی قرار دهد؛ زیرا که نه صلح و نه امنیت، هرگز در اثر بی‌دادگری، تأمین نمی‌گردد.

امروزه همگان بر این امر اتفاق نظر دارند که صلح، جز از طریق عدالت، ممکن نیست. تضاد بین جوامع مرفّه و جوامع در وضعیت اضطراری، یکی از بارزترین جلوه‌های دردآور بی‌عدالتی در زمان ماست. کاستن از میزان شکاف میان کشورهای شمال و جنوب (غنی و فقیر)،

امری ضروری است. جلب منافع بیشتر به وسیله دولت‌های پیشرفته در صورتی که به اعمال بی عدالتی بینجامد، قطعاً به معنای نقض حقوق بشر و مغایر با عدالت حقیقی است.^۱

سازماندهی فصول

این کتاب در یک مقدمه و هشت فصل شامل نتیجه‌گیری و مطالب مبنایی و عینی ارائه گردیده است.

فصل اول به بررسی کلیات و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته و مباحث مفهوم شناسی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

فصل دوم به بررسی چارچوب نظری که در آن به تحلیل انتقادی گفتمان پرداخته و در گام دیگر به تبیین عناصر و دقایق گفتمانی یعنی مفصل بندی گفتمان توجه نموده و عناصری مانند عدالت خواهی، استقلال طلبی، دفاع از مسلمانان و حمایت از مستضعفان، طلح طلبی مثبت، ظلم ستیزی، سلطه ستیزی و استکبارزدایی مورد دقت قرار گرفته است.

فصل سوم به مبانی و مولفه‌های گفتمان عدالت محور که شامل: ایدئولوژی اسلامی - شیعی، گفتمان انقلاب اسلامی، ایرانیت، جهان سوم گرایی پرداخته که در حقیقت مهمترین مبانی گفتمانی و ساختار انگاره ای و نظام معنایی شکل دهنده به گفتمان عدالت می‌باشند. از سوی دیگر به مولفه‌های تاثیر گذار گفتمان عدالت محور که در قالب برنامه ریزی در عدالت، عدالت اجتماعی و شکاف اجتماعی، عدالت مادی و معنوی، عدالت و آزادی، عدالت و توسعه می‌باشد پرداخته شده است.

فصل چهارم: به بررسی رابطه انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی بر محور گفتمان عدالت محور از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی، امام خمینی و امام خامنه ای می‌پردازد که شالوده و زیربنای تجلی گفتمان عدالت محور در عرصه داخلی و خارجی را تشکیل می‌دهد.

فصل پنجم واکاوی عدالت اجتماعی و گفتمان رقیب به ویژه در دوران فرامدرنیته می‌پردازد زیرا در مقابل انقلاب اسلامی، برخی از گفتمان‌های رقیب پرچم عدالت خواهی را به دست گرفته بودند و با شعار عدالت سیاسی از طریق دموکراسی، انسان را به جای خدا می‌نشانند، که

۱. برای اطلاع بیشتر رک، مجله حدیث زندگی مهر و آبان ۱۳۸۵، شماره ۳۱